

# بسمه تعالی



موضوع:

## جلسه ۶ مسائل جاری در حسابداری

از وابستگی شدید اقتصاد .... صفحه ۱۹ اسلاید تا آخر یعنی صفحه ۴۲ اسلاید

روز شنبه ۲۳ آبان ۱۳۹۴

استاد محترم:

جناب آقای دکتر حسن یزدی فر

تهیه و تنظیم:

زهرا دیده ور

شماره دانشجویی: ۲۲۰۱۹۳۱۴۰۷

(مجازی) نیم سال اول تحصیلی ۹۵-۹۴

**در ابتدا استاد در ارتباط با ارائه دوستان صحبت کردند, که استاد اینطور فرمودند  
برای اینکه کار تحقیقی, بهتر انجام بشه, یک نمره مازاد جهت ارائه دوستان  
در نظر گرفته خواهد شد.**

اگر گروه ۴ نفری یک مقاله ارائه کنند نمره کامل را دریافت خواهند کرد, ولی  
اگر گروه ۴ نفری دو مقاله ارائه کنند نمره کامل را دریافت خواهند کرد, و اما ادامه  
مطلب جلسه پنجم.....

## ۱۹- جلسه پیش در ارتباط با بحرانهای مالی صحبت کردیم, که چطور ایجاد میشه.

بحث بحران سرمایه گذاری در بازارهای مسکن آمریکا بود که شروع شد به اروپا و بعد به کشورهای دیگر نیز تسری پیدا کرد.

منتها تسری که به کشورهای دیگه پیدا کرد شاید خیلی از اونها فی البداهه به بخش مسکن نبود, بلکه به جهت وابستگی نفتی بود که اون کشورها, که درآمدهای نفتی داشتند.

بنابر این وقتی بحران به اون کشورها رفتش, چون درآمد نفتی کافی نداشتند, دولت ها در تزریق پول به فعالیت های مختلفی که داشتند, من جمله فعالیت های اقتصادی و زیر بنایی و بنیادی, مشکل ایجاد شد.

راه سازی, سد سازی و فعالیت های دیگه ای که اونها هم به بخشی تو قسمت های کارهای ساختمانی قرار می گرفتند, محدودیت های زیادی ایجاد شد و این به طور اتوماتیک به کشورهای دیگه, تسری پیدا کرد.

در مورد ایران هم به همین ترتیب هستش. در مورد ایران به خاطر وابستگی شدیدی که به اقتصاد نفت داشت در طی این سالهایی که بوده, باعث شده بود که اگر فراز و نشیب هایی در قیمت های نفتی بوده, طرح های عمرانی کشور را شامل بشه و همونطور که می دونید درآمد نفتی ایران به یک سوم و یا بیشتر تقلیل پیدا کرد.

در این زمانها, از ۱۴۷ دلار در هر بشکه به زیر ۴۰ دلار, قیمت نفت شد در واقع بودجه ارزی, به یک چهارم تقلیل پیدا کرد و این باعث شد که درآمدها و فواید حاصل از نفت بسیار کاهش پیدا کنه و دولت هم توانایی تأمین و ادامه پروژه ها را نداشته باشه.

خیلی از دولت ها اومدند تو اون پروسه, دولت ایران در واقع ناچار شد پول اضافه هم چاپ کنه که انتشار اونا هم ضمن بدون پشتوانه بودن خودش, بعضا باعث ایجاد تورم و محدودیتهای بیشتر برای کشور شد.

یک سوال کلی که مطرح میشه این هست که تورم خودش چیز بدی نیست, بسیاری از اقتصاد دانان می گن که تورم خوب هست, منتها تورم کنترل شده. تورم در حد یک یا دو درصد خوب هست, چون اقتصاد را رونق میده ولی وقتی کنترل نشده باشه اونجا می تونه مشکلاتی را ایجاد کنه.

استفاده از پس انداز در کوتاه مدت می تونه یک راه جایگزین باشه ولی این بطور معمول نمی تونه زیاد ادامه پیدا کنه, به هر حال با وجود تقاضا برای کالا و کمبود کالا در بازار, این باعث میشه که تورم ایجاد بشه, منتها تورم از نوع رکودی, چون امکان خریدش هم خیلی برای مردم وجود نداره و محدودیتها وجود خواهند داشت.

۲۰- تأثیری را که روی موسسات مالی میذاره، در صورتیکه پول نداشته باشند به جامعه تزریق کنند، با اون پول محدودی که دارند شروع می کنند به کار کردن و اون مبلغ محدود رو ناچار میشن که بعدا با نرخ بهره بالاتری به جامعه ارائه بدن و ارائه محدوده و امکانات مالی و تزریق اون به جامعه خودش بصورت اتوماتیک باعث افزایش تورم میشه، رکود هم البته بدنبال می آره.

بازارهای سرمایه اگر پول نداشته باشند کمتر امکان سرمایه گذاری براشون هستش و کمبود اون، هم باعث کمبود درآمد برای خانواده ها میشه و وقتی سرمایه گذاری نمی کنند سود سهام ندارند و اون وجه هم به شرکت ها وارد نمیشه بعنوان افزایش از محل سرمایه گذاری و این اتوماتیک مجدد باعث کاهش وجه نقد در جامع میشه و می تونه تورم رو ایجاد کنه.

در خیلی از موارد در بخش واقعی اقتصاد، که زاینده ارزش برای جامعه هستش و چرخه اقتصادی ادامه پیدا نمی کند، خیلی از افراد احتمال داره که ثروتشونو به شکل های دیگری نگهداری می کنند، مثل طلا و ارزهای کشورهای دیگر که این مولد جریان اقتصادی در جامعه نیست، پس بخش واقعی اقتصاد هم تکونی نمیخوره.

قیمت فلزات اساسی چه تغییراتی می تونه داشته باشه، فلزاتی که عمدتا چرخه اقتصادی رو می آیند و بر اساس اونها (آهن و فولاد) یا موارد دیگری که نقش مهمی در اقتصاد، دارند، سرمایه گذاری وقتی کم هستش چه در بخش ساختمان و چه در بخش راهسازی و فعالیت بنیادی دیگری که هستش و عمرانی اون فلزاتی که بعضا در صنایع ارزش استفاده میشه، درخواست باید براش باشه و نیست، و با نبودن اون، شرکت های تولید کننده باید قیمت ها را بالا ببرند که حداقل مخارج ثابت خودشونو بدن و افزایش قیمت وجود داره ولی، خریدار خیلی هم پول خوبی پول خوبی براشون نداشته باشن.

قیمت نفت خام هم که تحت تاثیر هستش اگر اقتصاد کشورهای در حال توسعه و کشورهای نیازمند نفت اگر نچرخه، درخواستشون برای نفت کم میشه و تأثیری رو قیمت نفت داره.

کاهش حجم تجارت جهانی وقتی پول نداشته باشن کشورها بخرند، مردمشون پول نداشته باشند. بالطبع برای تمایل تجارت جهانی کشورها هم کم میشه. اینها مواردی هستند که روی بزرگراههای تجاری در سطح ملی و بین المللی می تونند تأثیری داشته باشند که باعث محدودیت در سطح بین المللی و در سطح ملی بقیه کشورها می تونه باشه.

۲۱- بحران ها که وقتی می آیند و تقسیم بندی می کنند، توی دو برهه می آیند و اینها را قرار میدهند. یکی بحران های مالی هستش و دوم بحران های ناشی از حباب های سفته بازی و بحران های ارزی، اینها را می آیند و تقسیم بندی می کنند.

پس بحران های ارزی، اینها را می آیند و تقسیم بندی می کنند.

پس بحران ناشی از حباب ها یا بابل هاستند که برست میشن می ترکند و یکی هم بحران های بانکی.

در مورد بحران های بانکی که کلی صحبت میشه میگن اینها بحران هایی هستند که بدلیل کمبود نقدینگی ایجاد میشه از اون جهت که بخش قابل توجهی از سرمایه گذاری که در بانک هستش از سپرده گذاریهای شده توی اعتباراتی اختصاص پیدا کرده که بلند مدت هستند، حتی اگر کوتاه مدت هم باشن بانک به این راحتی نمی تونند اینها را ظرف یک دوماه برگردونند، چون یکساله و نه ماهه وام داده و به هر حال ظرف یک ماه و ۱۰ روز و ۲۰ روز، راهی رو که بخواد این پول را پس بگیره وجود نداره، به همین خاطر نود و چند درصد از سپرده هایی را که در بانک ها میذارن، اینها در فعالیت های اقتصادی مصرف شده ولی اگر مردم مراجعه کنند یک درصد و دو درصد، بانک ها براشون مشکل پیش می آد و اصطلاحاً، اصطلاح مربوط به هجوم بانکی را ذکر میکنند و هجوم بانی به شرایطی میگن که مردم، برای دریافت سپرده هاشون به بانک مراجعه می کنند و با یه وحشتی که در اونجا ایجاد شده و اگر این از یک بانک به بانک دیگه ای تسری پیدا کنه، یعنی مثلاً ببینند که بانکها پس از دیگری با همچنین مشکلی مواجه میشن و یک موجی در بازار ایجاد بشه اونو تحت عنوان بحران سیستماتیک یا وحشت بانکی ذکر می کنند. بانکهای مختلفی در اینجا بودند که مشکل ایجاد شده، مثلاً یک بانک بود که مشکل براش ایجاد شد که با وجودیکه بانک قوی ای بود تلویزیون نشون داد که مردم توی صف بودند که بتونند پولاشونو بگیرن و علیرغم اینکه بانک سعی می کرد، که اطمینان بده که این پول در اینجا وجود داره و هیچ مشکلی نداره ولی عملاً مردم اعتمادشونو از دست داده بودن و برای اینکه دولت بتونه از مشکل بعدی یعنی بحران سیستماتیک یا وحشت بانکی جلوگیری کنه و مردم اعتمادشون رو نسبت به کل بانکها از دست ندن، مسئله ای که ایجاد شد به این ترتیب بود که دولت، این بانک را ملی اعلام کرد و نشنولایزش کرد. به این معنا که اعتبار بده به سپرده گذاران که این بانک، مشکلی نداره و پول شما را تأمین میکنه که در واقع خودش پشت قضیه باشه.

البته انتقاد هایی هم این وسط به وجود اومد به این ترتیب که می گفتند مدیریت این بانک، مدیری بوده که توانایی لازم را نداشته در ۶ ماه قبل و یکسال قبل اومدند و یک

پاداش خیلی کلانی را گرفتند و از همین سود سپرده هایی که ما گذاشتیم و الان هم با مدیریت بدشون که بانک را رو به ورشکستگی می کشند حالا هم دولت اومده و داره پول تزریق میکنه توی بانک.

لذا باز هم این مالیات دهندگان هستند که چون مالیات به دولت دادن، دولت داره می آد و اونو (بانک رو) تامین میکنه و شکایت از این بابت بود که خود مردم میگن چرا دولت، چرا مدیران بانکی در این زمانها، اون زمانی که کار خوبی انجام نمیدن پاداش میگیرن و وقتیکه مشکلی ایجاد میشه به راحتی شرکت رو ترک میکنند و دولت باز هم در واقع از جیب مردم بعنوان رفع مشکلات و ضعف ها، اینها را انجام میده.

۲۲- در مورد بحران مربوط به سفته بازی و ایجاد حساب هم هستش که پول وجود داره ولی میره به طرف صنایعی که اون ارزش واقعی را ندارند، قیمت یواش یواش اضافه میشه تا اون زمانیکه مردم فکر میکنند که قیمت می خواد بره بالا و برنامه ریزی می کنند، دیگه وقتی به اونجایی میرسه که مردم انتظاراتشون برای اینکه بره بالا، به ان ترتیب نیستش، با عوامل مختلفی که ایجاد میشه، **بابل پرست** میشه، بابل یعنی حسابی که هستش می ترکه و با ترکیدن اون حساب، مردم شروع می کنند و هجوم می آرن به فروختن، دیگه اونهایی که با تأخیر این کار را انجام میدن، خلاصه متحمل ضرر زیادی میشن، در واقع حساب تشکیل شده به ان معنی است که یک دارایی ارزشش به اندازه میزان عوایدی هستش که این می تونه در آینده ایجاد بکنه، شکل می گیره، مثلاً این زمین چه ارزشی می تونه داشته باشه، این ساختمان تا چه مدت می تونه بهره وری داشته باشه، کامپیوتر و وسایل تا چه میزان باید باشه، اگر ارزشی که در بازار وجود داره از این ارزش اقتصادی عواید حاصل از این دارایی بیشتر بشه، اصطلاحی است که در بازار گفته میشه، بابل یا حساب میگن در حال شکل گرفتن هستش خوب موقعی که رو قیمت کالا نشسته و قیمت کالا را در واقع داره بالاتر نشون میده، حساب شکل می گیره. اگر سفته بازی بشه، خرید و فروش بشه، به نیت افزایش قیمت اون در آینده ای نزدیک، ناشی از همین خرید و فروش هایی است که داره میشه، بدون درنظر گرفتن اینکه آیا سهام این شرکت، شرکت داره فعالیت اقتصادی انجام میده که، پروژه هایی داره که درآمدزاست. اگر این بدون توجه به اونها باشه، قیمت داره حسابی بالا میره به مقدار مشکل ایجاد می کنه، در چنین موقعیتی هستش که همه انتظار دارند و سرمایه گذاری می کنند. افراد دیگر هم سرمایه گذاری کنند، بخرند. به همین ترتیب یکی بعد از دیگری وارد میشه. و انتظارات اونا زمانی مشکل زا میشه که یه بخشی از جامعه شروع میکنه به فروختن، همونطور که به بالا فروختن و به افزایش قیمت پیش میرفت شروع میکنه به طرف کاهش قیمت و یکی یکی پشت سر یکدیگر پیش می آد.



۲۳- اصطلاح سفته بازی در ایران استفاده میشه و بدین معناست که جنسی را شما الان می گیری و به امید افزایش قیمت این جنس در بازار، درنظر بگیرید بعضی وقتا، این معاملات سفته بازی خودشو در نوع ها و شکل های مختلفی ایجاد می کنه، که می تونه در سهام، اوراق قرضه باشد. در قراردادهای آتی باشه یا خرید و فروش ارزها باشه، و موارد دیگه.

یه اصطلاحی که اشاره شد، قراردادهای آتی هستش که معمولا تحت عنوان فیوچر می آتش. **Future** به چه معنی هستش؟ بعضی وقتا برای اینکه، شرکتها با همدیگه، ریسکشونو بیارن پایین، توافق می کنند که پیشاپیش، میگن در دو سال آینده، من این وام را از شما می گیرم، با این نرخ. یا این دارایی رو از شما میخرم با این مبلغ. از این عمده مطلب به جهت، اجتناب از افزایش، یا تغییر ناگهانی قیمت اون کالا یا اون مواد یا اون طرح یا اون سپرده بانکی یا اون تسهیلات بانکی که می توانند در آینده داشته باشند، هستش.

پس بنابراین اون مبلغ و نرخ را برای مدتی در آینده توافق می کنند.

مثال: بعضی از این شرکتها در اینجا می آید، این قراردادهای طولانی مدت، یه بخش عمده اش به جهت، اجتناب از تغییرات نرخ اون کالا در بازار هستش.

شرکتهای سازنده استیل در واقع آهن، خیلی از اینا در زمانی که قیمت ها پایین و بالا میرفت، توافقات طولانی ۵ ساله داشتند با شرکتهای تولید کننده استیل که اونو بخرند، بعد بازار آهن آلات در دنیا سقوط قابل توجهی پیدا کرد، وقتی اون سقوط پیدا کردش و اینا برای مدت طولانی ناچار بودن به خرید اون قیمت بر اساس اون نرخ ادامه بدن و مشکلات عدیده ای را در بخش فعالیتهایی که در ارتباط با استیل بود، ایجاد می کرد.

یا بحث مشتقات در اونجا مطرح شده که تحت عنوان **Derivate** هستند، که در واقع قرارداد مختلف مالی هستش که بر اساس روی فعالیت های مختلف سهام یا موارد دیگه را انجام میدن و تبادلاتی را برای خودشون در این زمینه درنظر می گیرن، بر اساس نرخ هایی که دارن از قبل تهیه می کنند.

خوب سفته بازها، تاجران، سهام بازها، سرمایه گذارها در این موقع، تقسیم بندی که کرده گفته ۴ نقش اصلی حوزه های اقتصادی را بازی می کنند.

تاجران: خرید و فروش را انجام میدن.

سفته بازان: هستند.

سرمایه گذاران: پول انجام میدن.

سهامداران: هم از فعالان مختلف این بازارها, می تونند باشن که نقش اساسی را در تعیین قیمت همراه با ابزارهای مختلف مالی دارند.

بسیاری از فعالیت سفته بازی عمدتاً مربوط میشه به زمانهاییکه, وقتی می بینی کسی پروژه ای در حال ضرر دادن هست, اونموقع بخری ولی آمادگی خوابیدن یا مقاومت در مورد اونو داشته باشی, که بعد از یه مدتی بالاخره, افزایش قیمتشون ممکنه شروع بشه, یعنی شما باید بتونی تشخیص بدی که مجدد کدوم سرمایه ای و سهام و اوراق قرضه ای هستش که میخواد افزایش پیدا کنه و شما می تونید مجدداً که بازار این رو به رشد رفت بتونید از عواید اون استفاده ببرید.

۲۴- بعد بحران ارزی یا تراز پرداخت بدهی به وجود می آید، نوع دیگری هستش که در این زمینه عمده مشکلات بدلیل این هست که دولت ها، کسری تراز پرداخت میکنند، یعنی درآمدهای ارزی داشته باشند که بتونند برای مخارج ارضی که دارند جبران اونا باشه نیستش و کمتر هستش و این محدودیت ارزی خودش یکسری مشکلاتی را برای اون مجموعه می تونه ایجاد بکنه،

نکته ای که در مورد ارز باید گفته شود این است که شما چون در ایران هستید، بعضی وقتا ممکنه این ذهنیت وجود داشته باشه که بعضی وقتا که میخواهید وارد یا خارج از کشور شوید، می گن چقدر پول داری و از این مقدار نباید بیشتر باشه.

بعد ممکنه که فکر کنی این محدودیت ها فقط در مورد ایران است که خیر چنین نیست و در جاهای دیگر هم، تقریبا در بقیه کشور هم، کنترل می کنند که چه مقدار پول داره از سیستم بانکی وارد اون مجموعه میشه و شما باید اعلام کنید، اعلام هم نکنید ازتون می گیرن، و این بسیار رایج هستش.

وب سایت آمریکا یا انگلستان یا بقیه کشورها را بخونید. دقیقا قسمت کاستم قسمت گمرکیش می گه که شما چه میزان می تونید پول نقد ببرید و اگر مازاد بر اون باشه باید عنوان کنید.

من اتفاقا وقتی داشتم به ایران می اومدم، فرودگاه که بودم، با سگ چون سگ می آد و بو می کنه و بوی پول و تشخیص میده، اتفاقا سگی که مدارک منو بو میکرد، ایستاد و گفتند که چی داری داخل ساکت، گفتند پول داری؟ گفتم خیر. ولی خوب در کنار مدارکم یک کیف قدیمی پول داشتم و وقتی باز کردند چون به کشورهای مختلف رفته بودم، و تجمع پولهای کشورها در کیف پولم بود، درسته که ناچیز بود ولی پول بود و جالب اینکه یکیشون گفت پول کشور ترکیه هم هستش و بعد من نگاه کردم و دیدم بله، حدود یکی دو لیر بود و سگ نسبت به پول ترک هم حساسیت نشون داده بود.

کاهش رشد اقتصادی برای یک دوره کوتاه مدت را کساد اقتصادی می گن و اگر این ادامه پیدا کنه اینو، رکود اقتصادی میگن که توی بحث و مسائل اقتصادی مطرح میشه.

۲۵- افرادی هستند که به موقع پول زیادی را وارد می کنند و به موقع پول زیادی را خارج می کنند و با چرخش این پولها، می توانند جریانها و حرکاتهایی را در بازار ایجاد بکنند که به نفع خودشان و به ضرر بقیه هستند.

در بازار اینطور عنوان میشه که معمولاً به ذهنیتی در بازار وجود داره که اگر یک چیزی مناسبه، خیلی از سرمایه گذارها به طرفش میرن و اگر تشخیص بدن چیز مناسب نیست خیلی از سرمایه گذاران از ان قسمت پر میگردند.

اگر افرادی باشند، توان اینو داشته باشند که ذهنیتی در بقیه ایجاد کنند که به چیزی خوب هست یا به چیزی بد هست، می توانند از تغییرات لازم در بازار در مورد اون بهره برداری کنند و به نفع خودشان استفاده لازم را ببرند.

۲۶- از جمله عواملی هست که در بحرانهای مالی تاثیر می‌ذارد، اینست که بعضی وقتها یکی درآمدی را دارد یا پس اندازی را و از محل اون پس انداز، سرمایه گذاری انجام میدهد، لذا اگر مثلاً ۱۰۰٪ سرمایه گذاری هم زیان ده باشه، در واقع کل پس اندازش از بین می‌ره و تو زندگی آتی تاثیری نداره.

ولی اگر این سرمایه گذاری که کرده از محل قرض گرفتن از بقیه بوده و بناچار باید هم پول و برگردونه و هم بهره اش را برگرداند، این تفاوت بعدی داره، چون در زندگی خود اون مجموعه فرد تاثیر می‌ذاره، مضاف بر اینکه اگر قادر به بازپرداخت نباشه، اون موسسه ای هم که ازش استقراض کرده، اون موسسه هم براش مسائل و مشکلاتی ایجاد میکنه.

اگر طرف سوددهی داشته باشه، بسیار هم خب هستش، چرا؟ چون می‌توه با سود بیشتری که ایجاد میکنه بهره کمتری که درش متعهد هست را بده ولی اگر عکس این عمل بشه، هم سرمایه را از دست داده هم بهره قبلی را باید پرداخت کنه.

مثال: الان نرخ بهره در کشورهای اروپایی در خیلی هاشون زیاد نیست، الان در خود اروپا، انگلستان که ما هستیم، نرخ بهره رقم قابل توجهی نیست و بعضی وقتا، مثلاً اگر یا بخواهید یک وامی بگیرید با بهره حدود ۷ یا ۸ درصد می‌تونید بهره بگیرید یعنی گرفتن وام در اینجا با ۱۰ یا ۱۲ درصد نرخ خیلی مشکل نیست. اینهایی که اینجا کار می‌کنند و فعالیت تجاری دارند با نرخ ۱۰ تا ۱۲ درصد می‌تونند بهره بگیرند.

درنظر بگیرید اگر کسی بیاد و در این جا یک وامی را بگیره از بانک، بهره هم اینجا نیم درصد هست، لازم بذکره اگه همین الان ما بریم پول رو بذاریم در بانک نیم درصد به ما بهره میدن، بهره زیادی برای سرمایه گذاری نیستش.

یک سری سرمایه گذاری خاصی دارن که اگر انجام بدید تا یک یا دو درصد برات بهره میدن، ولی خوب آنوقت در سال هست. مثلاً برای ۶ ماه یا یک سال یا دو سال پول نباید از حساب خارج کنی.

مثلاً اگر من مطمئن بودم نرخ ارز تغییر اساسی نمی‌کنه، مثلاً من میتونم ۳۰۰ میلیون تومان وام بگیرم، ۱۰٪ بهره میدم، میذارم تو بانک ایران و ۲۰٪ مثلاً سود می‌گیرم، تا آخر ماه هم که سود را گرفتم ۱۰٪ را بهره میدم و بقیه را هم میذارم جیبم.

اگر ثبات اقتصادی وجود داشته باشه و نرخ تسعیر ارز تغییر پیدا نکنه خوبه و اگر تغییر ارز ایجاد بشه خوب مشکل ایجاد میشه.

حدود ۴ یا ۵ سال پیش نرخ پوند به ریال بود، ۱۵۰۰ تومان و یکدفعه از ۱۵۰۰ تومان الان شد ۵۲۰۰ یا ۵۳۰۰ تومان.

حالا اگر من ۳۰۰ میلیون را می خواستم بفروشمش و پیام و اینجا بذارم با توجه به اینکه نرخ ارز یک سوم شده، دیگه ارزشش میشده هفتاد میلیون تومان و کاهش نرخ اساسی پیدا کرده بود که خانمان برانداز بود. در واقع نرخ بهره است ولی اون تفاوت، امکان تغییر نرخ ارز که می تونست مشکل بعدی را ایجاد کنه، بسیار فراوان بود.

۲۷- یکی از مشکلاتی که سیستم های بانکی دارند اینست که اون دارایی هایی رو که در آن سرمایه گذاری کردند و اون بدهی هایی که ایجاد کردند برای تامین مالی دارایی ها، اگه با هم تفاوت ریسکشون بالا باشه، مشکلاتی ایجاد میکنه و یکیش هم همان موردی بود که قبلا گفتیم.

یک پرتفوی را که شما بخواهید شکل بدید، پرتفوی سرمایه گذاری، اون باید ریسک متناسبی را داشته باشد، با پرتفوی بدهی هایی که ایجاد کردید.

اگر تمام پول از خودتون باشه اون ریسکی نداره، ولی از این بابت که خیلی از سرمایه گذاران ممکنه، وام از جای دیگری گرفته باشند. لذا تو اقتصاد تاثیر میذاره. باید تعادل بین ریسک دارایی ها و ریسک بدهی ها (ریسک دارایی ها تا چه میزان، ممکنه اون دارایی از بین بره یا ارزشش کم به و ریسک بدهی ها تا چه موقع در واقع سررسید اینها هستش و در واقع مشکلاتی را ایجاد بکنه و یا تفاوت نرخ ارز برای اونها ایجاد بشه).

بحث ثقل و ایجاد جریان در این بازارها هم جای خودش، خاطرتان بیاد من در اسلایدهای قبلی هم گفته ام، شرکت MMM روسیه در سال ۱۹۹۴ اشاره کردم. این شرکت M۳ که اسم صاحبان اون شرکت بود و هر سه با هم شروع میشه، توی اون اینها اومدند و مطرح کردند که با انواع مختلف تبلیغاتی که بود به طور غیر واقعی جوی در بازار ایجاد کردند که این شرکت چنین و چنان داره میکنه که ظرف یک مدت بسیار محدودی قیمت سها شرکت چندین برابر شد.

که بعد از اون شرکت ها اومدند و دولت ها اومدند و کنترل بیشتری روی سرمایه گذاری و مخارجی که می تونست سازمانها در واقع بایستی هدایت کنند.

در این معادلات مربوط به سرمایه گذاری کردن، تبلیغات کردن، ارائه اطلاعات، شفاف سازی و جلو اومدن و روابط شونو مطرح کردند.

۲۸- ایجاد صندوق بین المللی پول هم یکی از همون مواردی بوده که بتونه، ایجاد بحران های اقتصادی که در یک کشور می تونه در مواردی در کشورهای دیگه هم هستش، تاثیر بذاره، جلوگیری بکنه.

اهدافی هم که برای این گذاشتند (گروه صندوق بین المللی پول) که مبتنی بر فعالیتهای سیستم بانکی بین المللی هستش، که دولتها را ملزم کردند که پشتیبان بانکها باشند تا بتونند تعهداتی که بانکها از این تبادلات بین المللی ایجاد می کنند، در واقع با وجود پشتیبان دولتها بر اونها نیز نظارت دولت ها بر اونا بیشتر باشد.

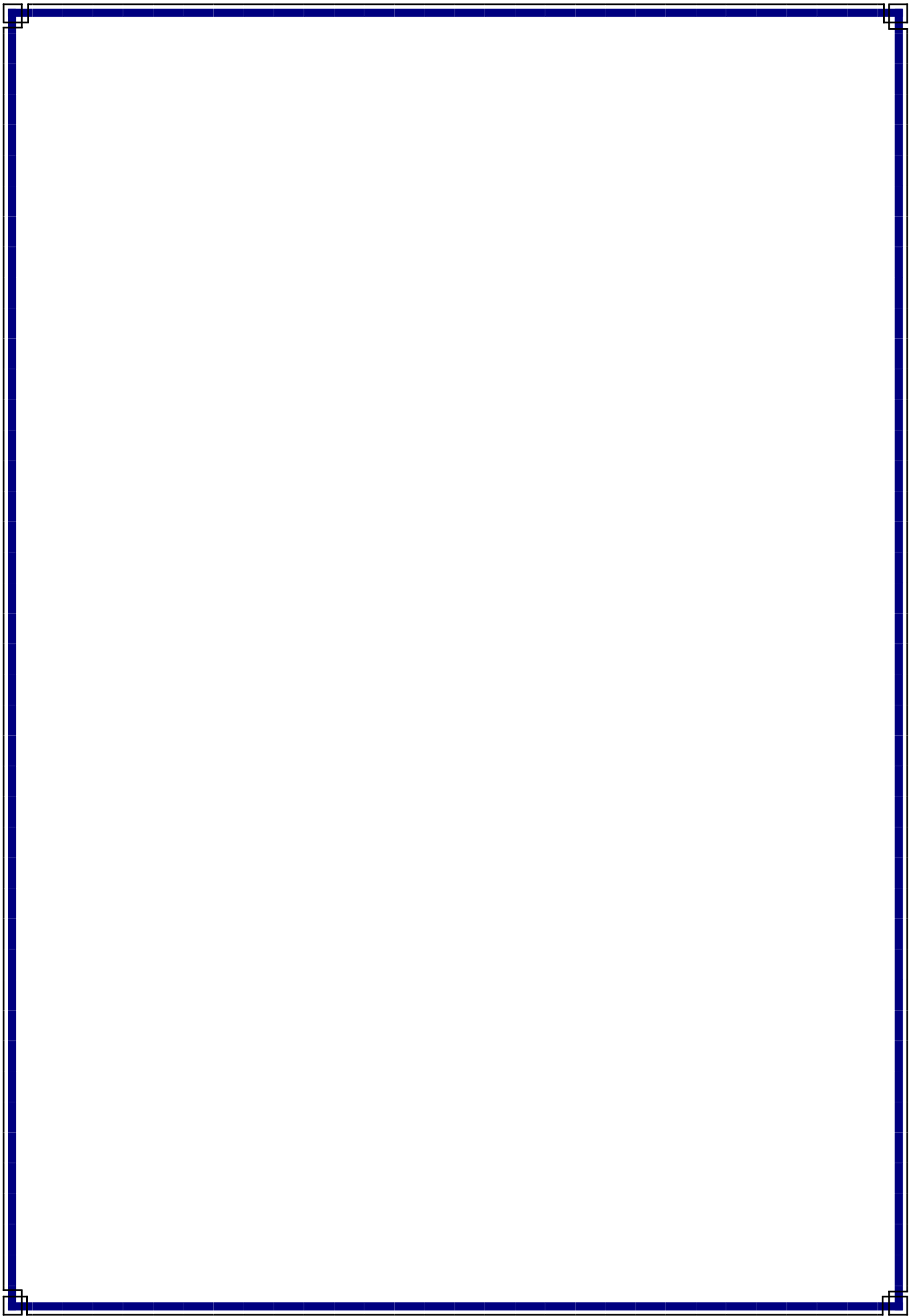
دولتها را دخیل می کنند در فعالیتهای بحرانی که هستش، در واقع مامور کردن اونها به هماهنگی در تزریق پول و سرمایه به بانکهای ملی.

به همون میزانی که دولتها درگیر هستند در فعالیت های مالی و نقش دارند و تدبیر دارند انجام میدن، در نتیجه فعالیت و نظارت دولت ها بیشتر میشه.

که از جمله برنامه های بین المللی پول هستش، صندوق بین المللی پول در نظر داشته باشید که ارگان بسیار موثری هستش که بعضی وقتها جالبه که بدونید که سیستم های حسابداری را تحت تاثیر قرار میده.

مطالعاتی که در بعضی از کشورها شده اینه که صندوق بین المللی پول به این کمک میکنه بعد میگه من برای این کمک پولی که برای شما انجام دادم شما ملزم هستید که این سیستم مالی را داشته باشید. تا جوابگوی سیستم های اطلاعاتی و گزارشگری که ما می خواهیم داشته باشیم، یعنی مطالعاتی که شده تحقیقی که شده در سری لانکا بوده که مثلا صندوق بین المللی پول و گفته سیستم حسابداری گزارشگریتون باید اینطور باشه که این اطلاعات و به ما بده و خود شما هم بتونید سیستم های کنترلی را ایجاد بکنید، پس در این مطالعات به این اشاره کرده که اینها (صندوق بین المللی پول) ترغیب کننده اون شرکتها بعضا و ادارکننده آنها به استفاده و اتخاذ سیستم های حسابداری خاص بوده.





۳۰- یک مقاله ای بود که قبلاً خدمتتون عرض کردم، در ارتباط با نقش حسابداری در ایجاد بحرانهای مالی در واقع بودش و اونجا اشاره کرده بود که این حسابدارها روشی را دارند، ما به ناچار مبنای خیلی از تصمیم گیریهای را که می خواهیم داشته باشیم، گزارشگریهای مالی هستند.

پس بنابراین حسابداری هستش که از ارقام حسابداری استفاده می کنیم، پس مبنای ای که در حسابداری وجود داره و بر اساس اون می آیم و گزارشگری انجام میدیم، مستقیم و غیرمستقیم رو تصمیمات مالی اثر میذارن.

دارایی ها را با په مبنایی نشون بدیم، بدهی ها را با چه مبنایی نشان دهیم.

کدوم درآمدها را در حال حاضر نشون بدیم و کدام درآمدها را در آینده.

هزینه ها را به چه ترتیب شناسایی کنیم. تمام اینها مواردی هستند که سودآوری شرکتها رو مشخص می کنند اون مبنای ایجاد جذب سرمایه گذاری توی سیستم سهام و سیستم در واقع سهامداران کشورها هستش.

پس بنابراین این حسابداری مستقیم یا غیرمستقیم، تاثیر بسیار زیادی روی تصمیمات مالی داره و به همین خاطر هستش که میگن، با این بحران های مالی هم که شده، نقش حسابداران بسیار فراتر از اونی هستش که تصور میشه. چرا که اینها دارند هدایت میکنند و مدیران سازمانها هم هستند که از این مباحث استفاده می کنند تا بتونند، در زمانهاییکه سود کمتری دارند، سود بیشتری گزارش دهند و در زمانهاییکه زیان قابل توجهی دارند، زیان را تا یک میزان کمتری در واقع نشون بدن.

و این باعث میشه که اون پیام لازم به سرمایه گذاران ارائه نشه و اونا هم در تصمیم گیری های مناسبشون یاری نکنه.

با بخش های سنتی اش که میگه اونها ارزش هایی را در نظر می گیرند که با ارزش های واقعی این دارایی ها، تطابق نداره.

یا از مبنای بهای تمام شده استفاده میکنند که تطبیق نداره. یا روشی را بعنوان ارزشیابی بازار استفاده می کنند که باز هم اون ممکنه روند کلی را در بازار نشون نده.

۳۱- در مورد شناسایی زیانها هم, ممکنه شناسایی زیانها را مبنایی که استفاده می کنند باز هم مبنایی باشه که قابل استفاده نباشه.

زیان تحقق یافته را وقتی می تونیم شناسایی کنیم که شواهد عینی وجود داشته باشد. شواهد عینی که بتونه مبنای کار باشه شما در اون لحظه نداشته باشید یا ارائه نشده باشه, اونو شما شناسایی نمی کنی در حالیکه زیان اینجا وجود داره.

اطلاعات نامناسب برای تصمیم گیری ارائه میشه. سرمایه گذاران از توانایی مالی و ریسکی که در این شرکتها هستش به اصطلاح رسیدگی مناسبی انجام نمیدن.

۳۲- یک مسئله ای که در اینجا زیاد وجود دارد بحث

## GAP BETWEEN THEORY & PRACTICE

این مسئله زیاد عنوان میشه در تحلیل ها و صحبت های اقتصادی اینه که میگه در تئوری شما چیزی رو داری میگی که در عمل همچنین چیزی نیست.

یک ایرادی که از حسابداران انجام میشه ارائه گفته شده در بحث حسابداری مدیریت زیاد بهش اشاره کردم که گفتم مطالبی را که ما در حسابداری مدیریت درس میدیم، خیلی هاش در عمل اجرا نمیشه. و اون چیزی را که در عمل شرکتها بهش نیاز دارن، ما در دانشگاه تدریس نمی کنیم.

و این نشون میده که بین دانشگاه و صنعت و بازار یک گپی و شکافی وجود داره، و این مشکل هستش. چون بحران های مالی، ناتوانایی حسابداری را در پیش بینی داره بحرانهای مالی داره. دلایلش چیه؟ یکی همون شکاف موجوده و در عمل چطور داره استفاده میشه و شما تحقیقاتتون چی هست.

شما سیستم هایی را داری تامین می کنید، یکنواخت، عمده و بدون انحراف پذیری لازم به منظور تعدیل خودش با شرایط بازار هستش و بعضا نمی تونه پیام رو که هدف سیستم حسابداری اطلاع رسانی برای تصمیم گیری سیستم اقتصادی مناسب هستش بعضا نمی تونه به صورتهای مالی منتقل بکنه

۳۳- بحث دیگره ای که هستش بحث تاثیر محافظه کاری در بحران های مالی هستش که میگن ارتباط قابل توجهی بین محافظه کاری حسابداری و زیان دهی و ورشکستگی شرکتها وجود داره و گاهی وقتها میگن که شرکتهایی که بزرگتر هستند، بازار های مالی کمتری براشون ایجاد میشه.

یکی از دلایلش این هستش که شرکت های بزرگ، امکان دسترسی به سرمایه ها براشون بیشتر هستش تا شرکتهای کوچک.

شرکت های کوچک اگر بحران مالی براشون به وجود بیاد، شکستی هستند و اینها توانایی شون، ادامه فعالیت بر اساس بحران های مالی که ایجاد میشه کم هستش.

۳۴- اینجا هم گفته که سیستم های حسابداری باید بر نوع طبقه بندی و اندازه گیری فعالیت ها کاهش ارزش دارایی ها و مصون سازی در خصوص گزارش گری زیانها و ذخایر باید به تجدیدنظری بکنه, تا بتونه با توجه به اینکه اطلاعات حسابداری در ایجاد بحران های مالی, نقش اساسی داره یا در واقع عدم اطلاع رسانی اونها نقش اساسی داره, این استانداردهای حسابداری باید چه تغییراتی بکنند تا بتونند اون اطلاعات خوب را به سازمانها ارائه بدن.

در اینجا نیاز به ذکر ۲ مورد می باشد:

## 1-BUSINESS AGNELS

## 2- VENTURE CAPITALIST

۱- اینجا موسساتی هستند که کارهای تخصصی انجام میدن, به این ترتیب که میگن اگر شما نیاز مالیت کم باشه مثلا ۱۰۰ هزار پوند باشه وامی که می خواهی بگیری, از طریق آیتم شماره یک باید باشه. اینها مجموعه ای هستند که تخصصشون در تبلیغ مبلغ ۱۰۰ هزار پوند شرکتها هستش.

۲- اگر نیاز مالی بیشتر باشه, باید بری به طرف شرکتهایی که تخصصشون میره به طرفی که باید پول بیشتری بدن, اینها بصورت معمول سرمایه گذاریشن بالای ۵۰۰ هزار تا باشد. علت اینکه دنبال سرمایه گذاری کوچک نیستند اینه که میگن برای یه سرمایه گذاری کردن ما بایستی یه سری تحلیل هایی انجام بدیم, تحلیل مناسب باید باشه, اگر ما پروژه ای داشته باشیم مثلا ۵۰۰ هزار پوند تحلیلی انجام میدیم که اگر ۲ تا پروژه هم داشته باشیم ۲ تا ۲۵۰ هزار پوند, همین تحلیل ها را باید انجام بدیم.

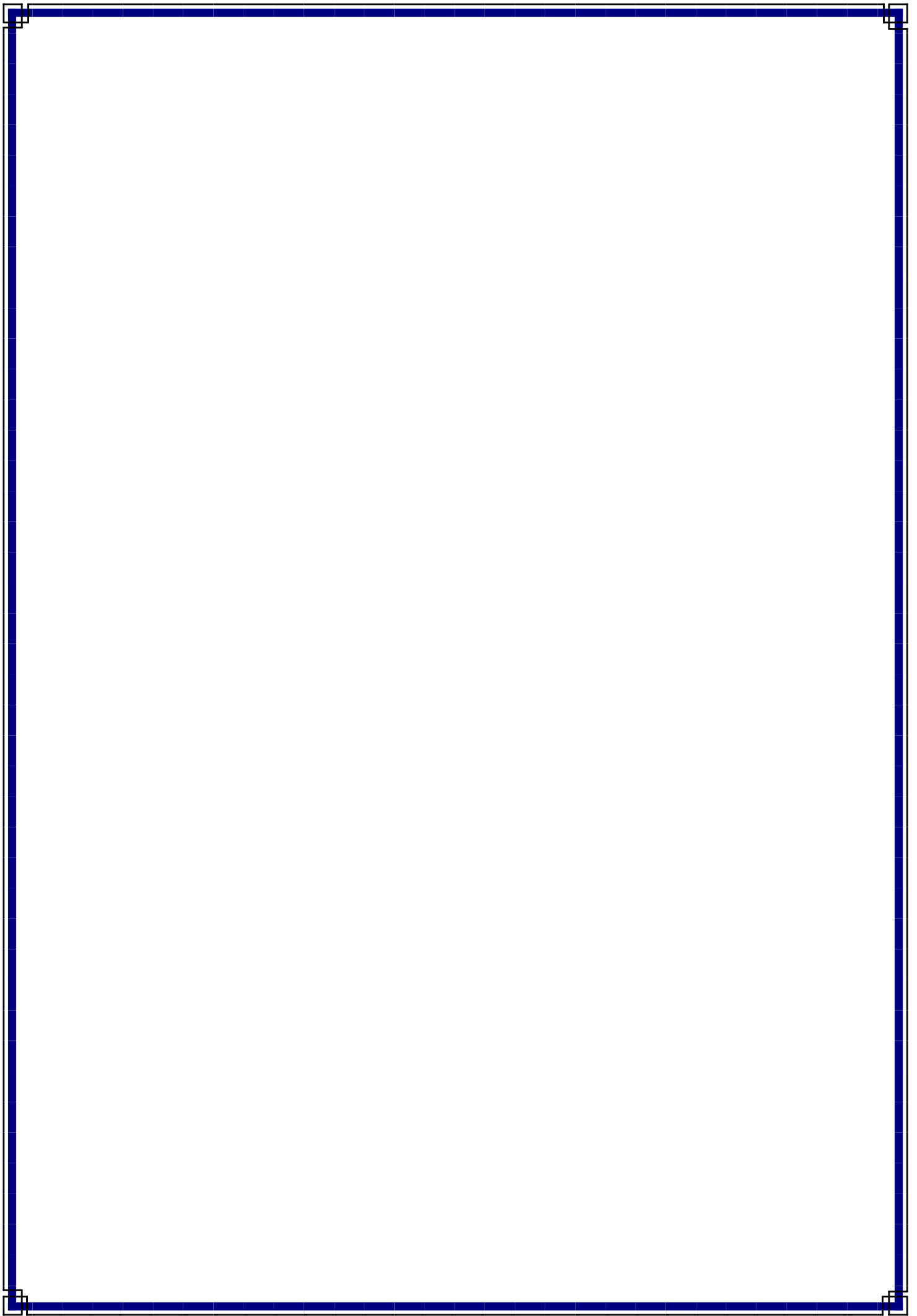
پس بنابراین برای اینکه وقت خودمونو مدیریت کنیم, بی جهت, انرژی روی چند تا پروژه نذاریم که تقریبا یک میزان بهره میخوان از ما بگیرن به جای اینکه یک وقت را بذاریم روی یه پروژه, ۲ تا وقت را بذاریم روی ۲ تا پروژه ای که رویهم دیگه میشه, اندازه اون یکی.

برای همین هم تمرکشون میذارن بر روی اون ارقام مالی بزرگتری که معمولا بالای ۵۰۰ هزار پوند, بعضی اوقات در کتابا میگن که در اینجا یک گپ و شکافی وجود داره بین سقفی که بیزینس آنجها وام میدن و اون قسمتی که ونچر کپیالیست ها وام میدن یعنی اگر تا ۱۰۰ هزار تا میخوایم باید بریم سراغ اولی و تا ۵۰۰ هزار تا می خواهیم باید بریم سراغ دومی.

۳۵- وقتی این بیزینس آنجل ها و ونچر کپیتالیست ها وارد شرکت میشن, اساس شرکت را هم تغییر میدن, یعنی وقتی می آن بعنوان یک شریک قوی می آیند , و دخل و تصرف ایجاد می کنند, در محصولات مالی این شرکت ایجاد می کنند.

در خصوص میزان ارائه صورتهای مالی به نحو مناسب که چجوری باید باشه استاندارد 9 IFRS دستورالعمل هایی داره میده در خصوص شناسایی و عدم شناسایی ابزارهای مالی (اون مشتقات مالی, فیوچرها, کانترک ها و ...) که خیلی دوست دارم یکی از تحقیقات شما در ارتباط با مشتقات مالی باشه یا قراردادهای مختلف مالی.

اگر بتونید روی اینا که در اسلایدهای قبلی بود یه مقدار تحقیق کنید, خیلی خوب است.





### ۳۷- تفاوت بین IFRS & IAS چیست؟

**IAS:** INTERNATIONAL ACCOUNTING STANDARDS

**IFRS:** INTERNATIONAL FINANCIAL REPORTING STANDARDS

اولی یعنی استانداردهای حسابداری بین المللی

دومی یعنی استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی

38- در اینجا تاریخشو اشاره کرده که میگه, استانداردهای بین المللی حسابداری در دهه ۱۹۶۰ شروع شد یا دقیق تر ۱۹۹۶ و یک طرح اولیه ایی بودش که توسط ICAEW ای کا و

## **INSTITUTE OF CHARTERED ACCOUNTANTS ENGLAND & WALES**

اگر همین اصطلاحی را که بالا نوشته توی گوگل بزنید براتون می اره.

و AICPA

## **AMERICAN INSTITUTE OF CERTIFIED PUBLIC ACCOUNTANT**

و CICA

## **CANADIAN INSTITUTE OF CHARTERED ACCOUNTANTS**

که در واقع چارتر اکانتنت های کانادا هستند از طرف انگلستان آمریکا و کانادا , یک هیاتی را تشکیل دادن در سال ۱۹۶۶ که استانداردهای حسابداری را ایجاد بکنه. این هیاتی که بودش از اون زمان که شروع کرد تا سال ۲۰۰۱ فعالیتش را ادامه داد و استانداردهایی که بود برای یکنواخت کردن فعالیت های بین المللی بود. استانداردهایی که تا اون موقع میداد اسمش بود IASC یعنی کمیته تدوین استانداردهای بین المللی حسابداری که اختصار کلمه:

## **INTERNATIONAL ACCOUNTING STANDARDS COMMITTEE**

بود و استانداردهایی که میده IAS یعنی استانداردهای بین المللی حسابداری که اختصار کلمه:

## **INTERNATIONAL ACCOUNTING STANDARDS**

هست.

## INTERNATIONAL ACCOUNTING STANDARDS COMMITTEE

این وجود پیدا کرد تا استانداردهای حسابداری مالی را انتشار بده این IASC , که  
بیانه هایی را که در حسابداری می داد, IASB از سال ۱۹۷۳ تا سال ۲۰۰۱ که حدود  
۴۰ تا استاندارد بیرون داد تحت عنوان IAS بودند.

از یک فرض کنید تا شماره ۴۰ بعدا در سال ۲۰۰۱ اومدند و اینو به تغییر سازمانی  
بهش دادند و گفتند از این به بعد تحت عنوان, IASB این گروه فعالیت خواهد کرد.

پس این همان IASC بودند با یک ساختار جدیدتری و در سال ۲۰۰۱ در واقع دیگه  
این IASC فعالیت رو ادامه نداد, بعد از او گفت دیگه IAS ما دیگه نداریم ولی به  
جای IASC داریم IASB یعنی هیات تدوین استانداردهای حسابداری بین المللی.

**40- و از اون تاریخ هم قرار شد این بیانیه هایی که میدن بیرون به جای اینکه اسمش باشه IAS اسمش بشه IFRS**

## **INTERNATIONAL FINANCIAL REPORTING STANDARDS**

از سال ۲۰۰۱ اون هیات اسمش و داد یعنی تغییر پیدا کرد به جای IASC کمیته استانداردهای بین المللی حسابداری شد ISAB هیات تدوین استانداردهای مالی بین المللی و بیانیه هایی که از اون به بعد صادر شد تحت عنوان IFRS میشه که اون IFRS هایی که صادر شده بود از ۱ تا ۴۰ یا ۴۱ قبلی ها را بذارن کنار, اون ۴۱ قبلی پابرجا هستند و اصل هستند و پیروی باید بشن, مگر اینکه IFRS های جدید, چیز دیگری بگن.

41- در همین گزارشگری مالی یک تغییری این وسط به وجود اومدش که مثلاً در اون گفته بود که **IAS ۳۱** , یک چیزی رو گفته بود و بعداً در یک **IFRS** دیگه اومد و گفتش که ما که در **IAS** , قبلاً گفته بودیم باید به این ترتیب عمل بشه, از این به بعد باید به این ترتیب عمل بشه, پس در نظر بگیرید که این دو تا یکی هستند.

یکی قبلاً بوده **IAS** از سال ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۱ و از ۲۰۰۱ به بعد **IFRS** هستند.

تا زمانیکه این **IFRS** ها نگویند کدامیک از اون **IAS** ها لغو شدن یا تغییر پیدا کردن همه اینها به اعتبار خودشون باقی هست و مشکل خاصی نداره پس اینها ادامه همدیگه هستند.

42- یک خلاصه هم ارائه شده :

**IAS: INTERNATIONAL ACCOUNTING STANDARDS**

**IFRS: INTERNATIONAL FINANCIAL ACCOUNTING  
STANDARDS**

هستند که IAS بین ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۱ بودند.

IFRS از سال ۲۰۰۱ بیرون داده شده و اصول IFRS تقدم دارند در هر جایی که با اون اصولی که توی استانداردهای IAS ذکر شده و به این خاطر IAS از بین میرند تا هر زمانیکه اصولی که مربوط به IFRS جاری بشه.

سوال یکی از دانشجویان در ارتباط با اینکه استانداردهای بین المللی از چه موقع در ایران لازم الاجراست: که در پاسخ استاد فرمودند:

فکر کنم الان استانداردهایی جدیدی که دارند در ایران می ذارن تمامشون داره میره به سمت بین المللی شدن و یک صحبتی هم بود که طی ۲ یا ۳ ساله داره اقداماتی انجام میشه که به اون طرف بریم چون اگر بحث تحقیقات اینا صورت بگیره و بحث سیستم مالی بانک بشه، سرمایه گذاری ها پیش بخواد بره . باید قطعاً گزارشگری مالی که میشه بتونه نیازهای سرمایه گذاران را در کشورهای مختلف انجام بشه (احتمالاً از سال آینده یعنی ۱۳۹۵ قابل اجراست).

و در ارتباط با امتحان و ارائه استاد فرمودند:

برای بهتر شدن نمره ارائه بدهید حدود ۱۵ الی ۲۰ دقیقه و حدود ۶ جلسه ای که داریم یک جدول زمانی تهیه کرده از ۲ یا ۳ جلسه بعد شروع کنیم، مقالات هم تا آخر امروز جواب خواهم داد و شما را به خدا سپرده و از شما خداحافظی می کنم.

پایان جلسه ۶ مسائل جاری در حسابداری

دوستان عزیز لازم به ذکر می باشد که در تهیه این فایل سعی شده است که تمام صحبت های استاد بدون هیچ کم و کاستی تحت عنوان صحبت های استاد در کلاس آورده شود تا خواندن هر اسلاید مربوطه راحت تر و فهمیدن مطالب قابل هضم تر باشند.

امیدوارم که دوستان و همکلاسی های محترم استفاده لازم را این مطالب برده و برای یکایک شما عزیزان آرزوی سلامتی و شادی و موفقیت, از ایزد منان خواهم داشت.

پاییز ۹۴ زهرا دیده ور